



پرسمان دینی (۳۷)



استدلال و آراء عقیدہ

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهَا السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ
تُؤَجَّرُ أَرْبَعَةٌ، السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ.



دانش همانند گنجینه‌هایی است که کلیدهای
آنها پرسش است. پس بهر سید- خداوند شما را رحمت کند-
که در این بین چهار تن اجر برند:
آنکه می‌پرسد و گوینده و شنونده و دوستدار ایشان.

تحف العقول عن آل الرسول عليه السلام، ج ۱، ص ۴۱



پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات
یکی از اساسی‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه است.





ارتداد و آزادی عقیدہ پرسمان دینی (۳۷)

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه
مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

ارتداد و آزادی عقیده

حجت الاسلام محمود معظم و آقای
میثم شادپور

پژوهشگران

حجت الاسلام محمود معظم و آقای
میثم شادپور

مصححان

حجت الاسلام جواد مرادی

ناظر

مرداد ماه ۱۴۰۱

چاپ اول



فهرست مطالب

۶.....	مقدمه.....
۸.....	ارتداد در قرآن.....
۲۰.....	ارتباط نفی اکراه در دین و ارتداد.....
۳۰.....	ادله مجازات مرتد در قرآن و روایات.....
۳۸.....	تنافی آزادی در عقیده و اعدام مرتد.....
۴۷.....	اسلام و شک در دین.....



مقدمه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مفتخر است در طی سالیان متمادی با بهره‌گیری از کارشناسان متخصص و باتجربه و با رویکرد تخصصی در امر پاسخگویی، در رشته‌های قرآن و حدیث، کلام و اعتقادات، تاریخ، اخلاق و تربیت، مشاوره و احکام شرعی، میلیون‌ها پرسش از سوی اقشار مختلف جامعه را پاسخ گفته است. پاسخگویی مکتوب این مرکز، به‌عنوان باسابقه‌ترین بخش پاسخگویی، با رسالت «پاسخگویی مطلوب به سؤالات ویژه»، عهده‌دار تولید محتوای غنی و منطبق با اصول علمی تحقیق در عرصه پاسخ به سؤالات دینی است که با توجه به توصیه‌ی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای حفظه الله تعالی، بر آن شد تا مجموعه‌ی پرسش و پاسخ‌ها را به صورت محصولات متعددی در قالب کتاب و نرم‌افزار ارائه کند.

اثر حاضر حاوی چند پرسش و پاسخ با موضوع ارتداد به مناسبت فتوای تاریخی امام خمینی رحمه الله بر حکم ارتداد سلمان رشدی با نام «ارتداد و آرادای عقیده» تهیه شده است. رویکرد بخش مکتوب در تدوین این مجموعه رعایت اختصار در تعداد سؤال و ارائه پاسخ جامع و مستند است.



در پایان از کارشناسان محترم پاسخگو و تمامی افرادی که در انتشار این مجموعه نقش ایفا کرده‌اند تشکر و قدردانی می‌شود.

مدیر بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

جواد مرادی



ارتداد در قرآن

پرسش:

اگر قرآن کلام الهی است و اختلاف و تناقضی در آن نیست، چرا بین آیات ارتداد و عدم مقبولیت دینی غیر از اسلام و بین آیاتی مانند «لا اکره فی الدین» و «یستمعون القول فیتبعون احسنه» ناسازگاری وجود دارد؟

پاسخ:

مقدمه

قرآن کریم، کامل ترین و آخرین کتاب آسمانی است که برای هدایت و راهنمایی انسان به سوی سعادت و کمال، فرستاد شده و تعالیم و معارف ارزشمندش، تا قیامت و برای همه انسان ها، کاربردی، آموزنده و هدایتگر است.

در این بین برخی از روی ناآگاهی یا غرض ورزی، با القای شبهه تعارض و ناسازگاری بین آیات، تلاش می کنند به مقابله با این کتاب الهی برآیند و می خواهند از استقبال و گرایش دل های پاک به سمت قرآن کریم، که روز افزون است و موجب ترس و نگرانی دین ستیزان شده است، ممانعت کنند، غافل از این که این تلاشی بی ثمر و بیهوده است زیرا غلبه و پیروزی با دین الهی است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین



حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند. (۱)

از جمله مواردی که خواسته اند شبهه ناسازگاری بین آیات را القاء کنند، تقابل انداختن بین آیات محکومیت ارتداد و بین آیاتی است که می گوید در دین اکراه و اجبار نیست و یا توصیه می کند سخن و کلام دیگران را بشنوید و بهترین ها را انتخاب کنید؛ سپس مدعی شده اند این آیات با هم ناسازگار هستند.

در ادامه و با شناخت و آگاهی صحیح از منظور این آیات، روشن می شود که هیچ تعارض و ناسازگاری بین این آیات نیست و همه در یک راستا و یک مسیر، در راه رشد و تعالی انسان هستند.

- ممنوعیت دعوت اجباری

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...»؛ در قبول دین، اکراهی نیست، (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. (۲)

اکراه در این آیه شریفه به معنای آن است که کسی را به اجبار وادار به کاری کنند. در جمله «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»، دین اجباری نفی شده است، چون دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارفی عملی به دنبال دارد و جامع همه آن معارف، یک کلمه است و آن عبارت است از «اعتقادات»، و اعتقاد و ایمان هم از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد، چون کاربرد اکراه تنها در اعمال ظاهری است، که عبارت است از حرکاتی مادی



و بدنی (مکانیکی)، و اما اعتقاد قلبی برای خود، علل و اسباب دیگری از سنخ خود اعتقاد و ادراک دارد. (۳)

به بیان دیگر؛

دین و مذهب نمی تواند تحمیلی و اجباری باشد، چرا که دین از یک سلسله اعتقادات قلبی ریشه می گیرد و زور و اجبار، فقط می تواند در اعمال و حرکات جسمانی انسان اثر کند، اما در افکار و اعتقادات بشر اثری ندارد. از طرفی پس از بیان آن همه دلایل روشن و استدلال های منطقی و معجزات آشکاری که پیامبران آورده اند، نیازی به تحمیل دین نیست؛ چرا که راه رشد و هدایت از راه انحراف جدا شده و آشکار گشته است و هر کس می تواند راه خود را انتخاب کند و اصولاً رشد و کمال انسان در سایه آزادی او تحقق می یابد.

البته این نکته نیز قابل توجه است که اکراه و اجبار در اصل پذیرش دین نیست، ولی هرگاه کسی دینی را پذیرفت، لوازم و احکام آن را نیز پذیرفته است و باید به آن ها ملتزم باشد. پس اگر کسی اسلام را پذیرفت، باید احکام شخصی و اجتماعی آن را رعایت کند و به اعمال علنی خلاف قانون مثل شراب خواری و سرقت اقدام نکند؛ چرا که در اسلام ممنوع است. (۴) مطلب دیگر؛

معنای «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» این نیست که انسان می تواند هیچ دینی نداشته باشد و بی دینی را انتخاب کند، خیر؛ ادیان الهی برای راهنمایی انسان به



سوی سعادت و کمال فرستاده شده اند و انسان بدون دین، نمی تواند به آن کمال معنوی مورد نظر شارع برسد، لذا نیاز است تحت آیین و شریعت الهی تربیت شده و فطرت پاک الهی که در نهاد او قرار داده شده، شکوفا گردد.

بنابر این قرآن کریم می فرماید ورود و دعوت به دین، اجباری نیست؛ نه این که مجاز هستیم بی دین بمانیم؛ بدین خاطر خداوند متعال هیچ آیینی به غیر از تسلیم بودن در برابر پروردگار را نمی پذیرد و می فرماید: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»؛ و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است. (۵)

در این بین، آیین اسلام، آخرین و کامل ترین ادیان الهی است که پس از آن، دیگر دینی نمی آید و با آمدن آن هم، سایر ادیان سابق، منسوخ شده و مدت آن ها تمام شده است.

برخی از مفسران در تفسیر این آیه گفته اند مانعی ندارد واژه «اسلام» را در این جا به معنای اسلام اصطلاحی (یعنی دین اسلام) بدانیم؛ چرا که سوره آل عمران، مدنی است و در مدینه به طور طبیعی نام اسلام برای دین اسلام رایج شده است و علاوه بر آن، واژه دین که در آیه آمده است و این که فرموده: "غیر از اسلام دین دیگری مورد قبول نیست" و مخاطبان این سخن که نوعاً (در مدینه) یهودیان و مسیحیان بوده اند؛ همگی شاهد این معناست. بنابر این؛ چنان چه واژه «اسلام» در آیه فوق را به معنای دین اسلام بدانیم،



از آیه استفاده می شود که «اسلام» تنها دین مورد قبول خدا در عصر حاضر است و از این روست که دین اسلام را ناسخ ادیان قبل دانسته اند. (۶)

- آزاداندیشی در اسلام

«الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ»؛ همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آن ها پیروی می کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آن ها خردمنداند. (۷)

برخی مکاتب و مذاهب پیروان خود را از شنیدن سخنان مخالفان منع می کنند؛ چرا که منطق قوی ندارند و می ترسند که منطق دیگران بر پیروانشان غلبه کند، اما اسلام در این مورد به سیاست درهای باز و آزاداندیشی روی آورده است و به مسلمانان گوشزد می کند که از شنیدن سخنان دیگران وحشت نداشته باشند، ولی آن ها را چشم بسته نپذیرند، بلکه تفکر کنند و بهترین سخنان را انتخاب کنند.

اسلام به کسانی بشارت می دهد که گفتارها را می شنوند و خوب ترین آن ها را بر می گزینند. اصولاً مکتبی که دارای منطق نیرومندی است دلیلی ندارد که از گفته های دیگران وحشت داشته باشد و از طرح مسائل آن ها هراس به خود راه دهد؛ آن هایی باید بترسند که ضعیف و بی منطق هستند. این آیه در عین حال چشم و گوش بسته هایی را که هر سخنی را بی قید و شرط و بدون تحقیق و بررسی می پذیرند، از صف اولو الالباب و هدایت



یافتگان، بیرون می شمرد و این دو وصف را مخصوص کسانی می داند که نه گرفتار افراط تسلیم بی قید و شرطند و نه تفریط تعصب های خشک و جاهلانه. (۸)

- روی گرداندن از آیین الهی

در قرآن کریم تنها به مذمت شدید ارتداد و وعده عذاب عظیم الهی نسبت به مرتدان اشاره شده و از چگونگی کیفر دنیوی آن ها سخنی به میان نیامده است؛ آیه ۲۱۷ سوره بقره و ۱۰۶ سوره نحل و آیات ۸۶ تا ۹۰ سوره آل عمران ... از جمله این آیات هستند.

لازم به ذکر است که اسلام در مورد آنان که اسلام را نپذیرفته اند، سخت گیری نکرده است؛ ولی در مورد کسانی که اسلام را بپذیرند و سپس عدول کنند فوق العاده سخت گیر است؛ چرا که این عمل موجب تزلزل جامعه اسلامی می گردد و یک نوع قیام بر ضد حکومت اسلامی است و غالباً دلیل بر سوء نیت است؛ لذا اسلام قوانین سخت گیرانه ای در مورد مرتد وضع کرده است. شبیه این قانون سخت گیرانه، در بسیاری از کشورهای شرق و غرب وجود دارد. (۹)

قابل توجه این که دشمن همیشه و از هر فرصتی برای توطئه و ضربه زدن به دین الهی، کمال سوء استفاده را می برد، و این تازگی ندارد؛ در قرآن کریم از گروهی سخن گفته شده که به عنوان یک توطئه حساب شده، ابتدا اظهار اسلام کردند سپس به عنوان این که چیز قابل ملاحظه ای در اسلام نیافتند،



کنار رفتند و بیزاری جستند، و هدف آن ها این بود که به این وسیله، تزلزل در ایمان مؤمنان ایجاد کنند؛ قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ و جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: (بروید در ظاهر) به آن چه بر مؤمنان نازل شده، در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز، کافر شوید (و باز گردید)؛ شاید آن ها (از آیین خود) بازگردند! (زیرا شما را، اهل کتاب و آگاه از بشارات آسمانی پیشین می دانند؛ و این توطئه کافی است که آن ها را متزلزل سازد). (۱۰)

بله؛ کسانی که در حال تحقیق باشند، مشمول حکم مرتد نیستند؛ حتی اگر نتیجه تحقیق آن ها بازگشت از اسلام و گرایش به آیین دیگری باشد؛ مشروط بر این که سخنی برخلاف اسلام نگویند، کسی با آن ها کاری ندارد و از مجازات ها معاف اند. (۱۱)

- عدم تعارض و ناسازگاری بین آیات قرآن

همان طور که قرآن کریم از نشانه های معجزه و الهی بودنش، به عدم اختلاف و نبود ناسازگاری بین آیات اشاره می کند (۱۲)، این جا نیز هیچ ناسازگاری و ناهمخوانی بین آیات دیده نمی شود و همه در یک راستا هستند؛ زیرا: در آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»، اجبار و اکراه تکوینی نفی شده است (۱۳) یعنی خداوند متعال به اجبار مکانیکی کسی را به سوی دین نمی کشد، اما این بدین معنا نیست که از جهت تشریحی نیز کسی را مکلف به دینداری و



مسلمان شدن نکند، زیرا هدف از خلقت انسان و جن چیزی جز عبودیت آن‌ها نیست «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ و من جن و انس را نیافریدم مگر برای این که عبادتم کنند (۱۴) و این عبودیت تنها با پذیرش دین الهی محقق می‌شود.

از طرفی در هر زمان، یک دین حق وجود دارد و با آمدن آیین اسلام - که آخرین و کامل‌ترین ادیان الهی است - سایر ادیان، منقضی شده و اکنون تنها دین و آیین معتبر، دین اسلام است.

با توجه به آیه شریفه «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...» نیز راه تحقیق و مطالعه در این راستا بر همگان باز است، چرا که وقتی باور و عقیده ای از روی شناخت و آگاهی باشد، از استحکام و ثبات برخوردار است و در طوفان‌های شبهات و فتنه‌ها، با تکیه بر مبانی محکمی که دارد، آسیب نمی‌بیند و استوار و پابرجا می‌ماند. در این زمینه، شناخت و تحقیق در موضوع اسلام نیز نه تنها هیچ معنی ندارد بلکه بسیار ارزشمند است و توصیه می‌شود.

از طرفی آیین اسلام، به حقایق خود، باور قطعی و کامل دارد و می‌داند هر کسی بدون پیش فرض ذهنی و بدون تعصب و غرض‌ورزی، اگر با نگاه محققانه و برای شناخت اسلام، به مطالعه و کنکاش در این زمینه بپردازد و تعالیم و ارزش‌های دینی را از سرچشمه زلال و پاکش (یعنی قرآن کریم و



ائمه معصومین علیهم السلام) بچشد، هر چه پیش می رود، حقانیت اسلام
بیش از پیش بر او اثبات خواهد شد.

آیاتی هم که در مقابل ارتداد و خروج از دین، سخت گیری کرده و مذمت
شدید دارند؛ بدین جهت است که غالب این موارد به جهت غرض ورزی و
ضربه زدن به دین الهی و سست کردن پایه های دینداری و باورهای
مسلمانان و تازه واردین به دین اسلام است؛ و الا اگر واقعا کسی محققانه و
عالمانه در این زمینه شناخت دین، تلاش کرده ولی به حقانیت اسلام نرسیده
باشد، تا مادامی که به تبلیغ و ترویج افکار و نظرات خود، اقدام نکرده باشد،
کسی با او کاری ندارد، ولی اگر بخواهد افکار مسموم خود را در جامعه
ترویج و نشر دهد، با او مقابله می شود، و این کاملا منطقی و معقول است
زیرا همان طور که حاکم اسلامی موظف است از ورود غذا و خوراکی های
مسموم و فاسد جلوگیری کند، همان طور نیز موظف است جلو افکار مسموم
و فاسد را بگیرد تا به روحیه دینداری و معنویت جامعه اسلامی، لطمه و
آسیب نرسد.

از اینرو، احکام کیفی مرتد، در اصل، ناظر به انگیزه ها و اهداف شومی
مثل افساد، فتنه گری، اضلال، انحطاط و برهم زدن نظم و آرامش و امنیت
فکری و عقیدتی جامعه اسلامی است که از شمول آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»
خارج شده و تحت شمول آیات دیگری از قرآن قرار می گیرد که مستلزم



برخورد با فتنه گر و مفسد است؛ لذا با آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» تعارضی ندارد.

نتیجه

بین آیات قرآن کریم هیچ تعارض و ناسازگاری نیست، زیرا:

۱. «لَا إِكْرَاهَ» اجبار تکوینی در پذیرش دین را رد می کند؛ ولی از نظر تشریحی قبول دین الهی واجب است.

۲. «لَا إِكْرَاهَ» اجبار در قبولاندن دین را رد می کند؛ ولی دلالتی بر این معنا ندارد که پس هر دینی را خواستید می توانید انتخاب کنید.

۳. در هر زمان تنها یک دین حق است و با آمدن اسلام، تنها دین حق، دین اسلام است.

۴. دین به عنوان بزرگترین نعمت خداوند که بدان بر بشر منت نهاده، عامل اصلی هدایت انسان به سوی کمال و سعادت واقعی است. هر عملی که دین و اعتقادات دینی را تضعیف یا تحریف کند، بزرگ ترین جرم است و مجازات سنگین دارد، زیرا بزرگ ترین عامل سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت انسان را تخریب می کند.

۵. تحقیق و مطالعه در باره ادیان الهی و شناخت آن ها، به ویژه دین اسلام، برای داشتن انتخابی عالمانه و آگاهانه، نه تنها معنی ندارد بلکه بر اساس آموزه های دین اسلام، بسیار هم توصیه و تشویق شده است.



۶. تغییر دین به تنهایی، مجازاتی ندارد؛ اما تبلیغ و ترویج آن، امری اجتماعی می شود که در هر جامعه، بایستی هنجارهای متعارف و معقول آن جامعه رعایت شود.

۷. آیات محکومیت ارتداد، شامل هر کسی نمی شود بلکه فقط کسی را شامل می شود که بخواهد بر علیه نظام و جامعه اسلامی توطئه کرده و به تبلیغ بر ضد دین اقدام نموده و در راستای تضعیف و ضربه به مقدسات مسلمانان، تلاش و فعالیت نماید.

کلیدواژه

قرآن، ارتداد، قول احسن، لا اکراه، آزاداندیشی، قرآن و آزادی اندیشه، عدم اختلاف در قرآن، حقانیت اسلام،

پی نوشت ها:

۱. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه ۹.

۲. سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۳. ر.ک: طبابایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۵۲۴-۵۲۵.

۴. رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ش، چاپ اول، ج ۲، ص ۲۷۴.

۵. سوره آل عمران، آیه ۸۵.



۶. تفسیر قرآن مهر، پیشین، ج ۳، ص ۱۷۰.
۷. سوره زمر، آیه ۱۸.
۸. ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش، چاپ دهم، ج ۱۹، ص ۴۱۶؛ ر.ک: تفسیر قرآن مهر، پیشین، ج ۱۸، ص ۵۲.
۹. ر.ک: مکارم شیرازی، پیام قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ش، چاپ نهم، ج ۱۰، ص ۱۷۷-۱۷۵.
۱۰. سوره آل عمران، آیه ۷۲.
۱۱. پیام قرآن، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۷۷.
۱۲. سوره نساء، آیه ۸۲.
۱۳. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ج ۲، ص ۵۲۴.
۱۴. سوره ذاریات، آیه ۵۶.



رابطه نفی اکراه در دین با ارتداد

پرسش:

چرا با وجود اینکه در قرآن اکراه در دین نفی شده است؛ فرزندان در جامعه اسلامی مجبور به انتخاب اسلام می‌شوند و چاره‌ای جز انتخاب این دین ندارند و اگر بخواهند از اسلام خارج شوند و مسیحی بشوند، گرفتار مجازات ارتداد یعنی اعدام می‌شوند؟

پاسخ:

مقدمه

آزادی عقیده در اسلام، از مسلمات مذهبی است که در مقایسه با برخی از احکام و فروع فقہی، همچون مجازات مرتد، پرسش‌های مختلفی را پدید آورده است. در این مجال، به چیستی و اقسام و شرایط مرتد و انواع مجازاتش نمی‌پردازیم و صرفاً به طرح نکاتی درباره آزادی عقیده در دین اسلام و نسبت آن با مجازات مرتد، بسنده می‌کنیم:

نکته اول:

آدمی از آن جهت که کودک است و به لحاظ عقلی به بلوغ نرسیده، متأثر از چارچوب فرهنگی خاصی است که والدین، تربیت فرزند را در آن چارچوب رقم می‌زنند. این امر، پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است و راهی به رهایی از آن نیست چرا که در این مرحله، کودک هنوز به بلوغ عقلی نرسیده تا انتخاب عقلانی داشته باشد، بلکه همواره در آن چارچوبی رشد می‌کند که دیگران



برایش تعیین کرده‌اند؛ فرقی ندارد که این چارچوب، اسلامی باشد یا مسیحی یا سکولار. این مطلب منحصر به پرورش دینی و رفتاری نیست. در حوزه تغذیه و بهداشت فردی فرزند نیز ماجرا به همین شکل است. والدین با تحقیق و تجربه‌ای که دارند، آنچه را که درست می‌دانند، انجام می‌دهند و فرزند اختیاری در آن سنین ندارد.

نکته دوم:

بسیاری از انسان‌ها متأثر از تربیت خانوادگی و فرهنگ پیرامونی دوران کودکی، بعد از بلوغ عقلی نیز همان سبک فکری و رفتاری را دنبال می‌کنند و هیچ‌گاه آن نظام تربیتی و فکری را مورد چالش قرار نمی‌دهند؛ تا جایی که برخی از نظریه پردازان به این باور غلط رسیدند که انسان‌ها به جبر محیطی مبتلا هستند و هر کاری که انجام می‌دهند، معلول شخصیت و عاداتی است که در دوران کودکی به آن‌ها تلقین شده است.

روشن است چنین دیدگاهی قابل قبول نیست. (۱) شاهدش کسانی است که در محیط مسیحی پرورش یافتند، ولی بعد از مدتی مطالعه و تحقیق، به دین اسلام گرویدند. برای نمونه، پروفیسور لگنهاوزن، استاد فلسفه غرب در آمریکا که بعد از مدتی به واسطه آشنایی با دین اسلام، مسلمان شدند؛ بنابراین، تغییر کیش و آئین، خودش شاهدی است بر این‌که ما انسان‌ها مختاریم و قادر هستیم بر عوامل محیطی غلبه یابیم و انتخاب دیگری داشته باشیم.



نکته سوم:

اینک، باید دید که در دین اسلام، آزادی انتخاب و تغییر دین، به رسمیت شناخته شده است یا خیر.

در دین اسلام، دین موروثی امری مذموم و ناپسند است. خداوند در آیات مختلفی، با مذموم دانستن تبعیت کافران از والدین شان، بر این امر تأکید کرده که علم و عقل محوریت دارند نه تبعیت از والدین: «و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند: نه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم. آیا اگر پدران آن‌ها، چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آن‌ها پیروی خواهند کرد)؟»

(۲)

در آیه ۱۰۴ سوره مائده نیز همین مضمون مورد توجه قرار گرفته است. لحن نکوهش آمیز و مذمت گونه قرآن نشان می‌دهد که باید به جای تبعیت از والدین، از عقل و علم پیروی کرد. همچنین، آیات و روایاتی در دست است که در آن‌ها پیروی از ظن و گمان نکوهش شده و در عوض، بر پیروی از علم و حقیقت تأکید شده است؛ مانند: «و بیشتر آن‌ها، جز از گمان (و پندارهای بی‌اساس)، پیروی نمی‌کنند؛ (در حالی که) گمان، هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد (و به حق نمی‌رساند)». (۳)

گذشته از این که تحمیل عقیده نیز ممنوع بلکه اساساً نشدنی است؛ چنانکه آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (۴) نیز به این حقیقت اشاره دارد. (۵) به تعبیر شهید



مطهری، «اینکه قرآن می‌گوید در دین اجبار نیست، نمی‌خواهد بگوید دین را می‌شود با اجبار تحمیل کرد، ولی با اینکه می‌شود با اجبار تحمیل کرد شما تحمیل نکنید بگذارید مردم بدون اجبار دین‌دار باشند، بلکه از این باب است که دین را با اجبار نمی‌شود تحمیل کرد. آنکه با اجبار تحمیل بشود دین نیست». (۶)

بنابراین، در دین اسلام، دین موروثی امری مذموم است و تحمیل عقیده نیز ممنوع بلکه نشدنی است؛ همچنین، محوریت در دین اسلام با علم و حقیقت است نه ظن و تقلید.

نکته چهارم:

اما در این صورت، ممکن است این اشکال به ذهن برسد که اگرچه دین اسلام با علم و تحقیق و امکان تغییر دین، مخالفت نکرده، اما به واسطه مجازاتی که برای شخص مرتد در نظر گرفته، مانع از تحقیق راستین و تغییر دین می‌شود.

در پاسخ به این پرسش گفتنی است که دین اسلام نیز می‌پذیرد که امور اعتقادی از قبیل امور قلبی هستند و با زور و جبر به دست نمی‌آیند: «لا إكراهَ فی الدِّینِ». (۷) از این رو، شخصی که تحقیق کرده، اما به جهات مختلف، از اسلام روی برگردانده و به ارتداد رسیده است، اگر ارتداد خودش را اظهار نکند و باورهای دینی دیگران را تضعیف نکند، هیچ مجازات دنیوی و اخروی ندارد چراکه:



مجازات اخروی برای مرتدی است که عالم به حقانیت اسلام باشد، ولی از آن روی برگرداند، اما کسی که جاهل قاصر است مبتلا به عقوبت نمی‌شود: «خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایی‌اش، تکلیف نمی‌کند». (۸)

مجازات دنیوی نیز به نظر مشهور، برای مرتدی است که ارتدادش را اظهار کرده است. چون اظهار ارتداد دارای آثار اجتماعی منفی (تضعیف باورهای دینی مردم که نتیجه‌اش، عدم پایبندی در اجرای قوانین دینی و برهم خوردن نظم جامعه اسلامی است) است، در نتیجه، واکنش اسلام نیز این است که برای چنین شخصی مجازات در نظر بگیرد؛ بنابراین تا زمانی که شخص تغییر دین را اعلام نکند، هیچ مجازاتی در دنیا، متوجه او نیست. (۹)

بنابراین، دین اسلام با این که خود را حق و عقلانی می‌داند، اما این آزادی را به مسلمانان داده که خودشان دین شان را انتخاب کنند و در این زمینه آزادند بلکه به این امر سفارش کرده هرکسی بر اساس علم و تعقل، دینش را برگزیند و از تقلید کورکورانه پرهیز نماید.

نکته پنجم:

البته درباره مجازات دنیوی مرتد، دیدگاه‌ها و فروعات دیگری نیز مطرح شده است که در ادامه، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. توجه به این دیدگاه‌ها از این جهت مهم است که نشان می‌دهد محققان در تفسیر و توضیح متون دینی در زمینه مجازات مرتد، دیدگاه‌های مختلفی دارند؛ از جمله اینکه:



برخی محققان معاصر، احکام مرتد را مخصوص اهل جحود دانسته‌اند به این معنا که اگر فردی حقیقت را فهمید، اما بازهم آن را از روی دشمنی انکار کند، مستحق مجازات مرتد است؛ اما فردی که اسلام را حق نیافته و به همین جهت در حالت شک یا انکار است، او مستحق مجازات مرتد نیست، حتی اگر اصطلاحاً او را کافر و خارج شده از اسلام بدانیم. (۱۰) برخی از محققان نیز بر این باورند که مجازات مرتد از تعزیرات و حکم ولایی و حکومتی و تغییرپذیر است که در صدر اسلام برای مقابله با فتنه و فریبکاری گروهی کفار و منافقان برای ضربه زدن به ایمان مؤمنان و گسست پیوند اجتماعی و ضربه به نظام سیاسی، از سوی پیامبر صلی‌الله علیه و آله در نظر گرفته شد؛ اما به صورت کلی، مجازات مرتد بر اساس مصالح جامعه اسلامی و وابسته به شرایط محیطی است و به تشخیص حاکم بستگی دارد. چه بسا در زمانی، مرتد به آن شکل باید تعزیر شود و در زمان دیگر، به شکل دیگر و یا اصلاً مجازات نشود و به حال خودش رها گردد. (۱۱)

نکته ششم :

اما درباره رابطه اسلام و مسیحیت و خروج از اسلام به مسیحیت نیز گفتنی است: اگرچه هر دو دین، خاستگاه الهی دارند، اما مسیحیت به مرور زمان به تحریف دچار شد و آموزه‌های باطل فراوانی در آن راه یافت. توضیح مطلب اینکه، حضرت عیسی به تصدیق حواریون و یاران ویژه‌اش، فرستاده خدا به سوی مردم بود؛ اما پولس که حضرت عیسی را ندیده بود و روزگاری



مخالف جریان مسیحیت بود و مسیحیان را آزار می‌داد، بعد از مدتی اعلام می‌کند مسیحی شده است و می‌بایست مسیحیت را تبلیغ نماید. او با تفسیر الوهی از حضرت عیسی، این دین الهی را تحریف کرد و حضرت عیسی را نه نماینده و فرستاده خدا، بلکه تجسد یافته خدا دانست که برای نجات بشر از گناه ارثی حضرت آدم، پا به زمین گذاشته تا با فدا کردن خودش و به صلیب آویخته شدنش، انسان‌ها را از پلیدی ذاتی و آن گناه ارثی نجات دهد! وی بر این باور بود که اگر هرکسی به این سرگذشت خدا، معتقد باشد و توحید را در عین تثلیث بپذیرد، نجات یافته است و نیازی به اجرای شریعت موسوی/یهودی نیست چراکه شریعت مربوط به عهد قدیم خدا با انسان بود و حالا خداوند عهد جدیدی با انسان‌ها بسته است! او با طرح این تفسیر اسطوره‌ای و افسانه‌ای از حضرت عیسی، طرفداران زیادی میان رومیان یافت و تفسیر او از حضرت عیسی، قرن‌ها بعد، توسط کنستانتین، امپراتور روم، به‌عنوان قرائت اصلی و رسمی از مسیحیت رواج یافت و متأسفانه تاکنون نیز جریان غالب در جهان مسیحیت است. (۱۲)

بنابراین، همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید مسیحیت به‌عنوان یک دین الهی، به مرور زمان به عقاید باطل و تناقض‌آمیز (مثلاً موجودی هم خدا باشد و هم انسان؛ خدا هم واحد باشد و هم سه تا) گرفتار شد و از مسیر حق منحرف شد و به همین جهت، خداوند در آیات فراوانی از قرآن، به نقد باورهای نادرست مسیحیان پرداخته است. (۱۳)



نتیجه:

با عنایت آنچه گذشت، روشن می‌شود:

در دین اسلام، امکان تغییر دین به رسمیت شناخته شده است و آزادی انتخاب دین از مسلمانان سلب نشده است؛ اما چون دین اسلام دین حق است، روی برگرداندن از آن، شایسته نیست؛ خصوصاً آنکه از اسلام خارج شویم و به مسیحیت وارد شویم؛ مسیحیتی که به سبب تحریفات پوئس، به آموزه‌های باطل آمیخته شده و خروج از اسلام و ورود به مسیحیت، خروج از راه مستقیم و ورود به بیراهه‌های گمراه کننده است.

اما به هر حال اگر کسی فرضاً اسلام را دین حق نیافت و به مسیحیت ایمان آورد، وی تا زمانی که آن را علنی نکند، مستحق عذاب دنیوی یا اخروی نیست؛ بلکه به باور برخی از محققان معاصر، حتی اگر آن را علنی کند، چون از روی دشمنی نیست، مستحق مجازات نیست؛ بگذریم از اینکه، به باور برخی از محققان، مجازات مرتد از تعزیرات وابسته به نظر حاکم است و چه بسا زمانی لازم باشد و زمانی لازم نباشد و اینکه سابقاً پیامبر در شرایط فتنه، چنین مجازات سنگینی را در نظر گرفت، لازم نمی‌کند که هر حاکم اسلامی، برای هر مرتدی، چنین مجازاتی را در نظر بگیرد، بلکه باید شرایط را سنجید و متناسب با آن، تصمیم گرفت.

کلمات کلیدی:

ارتداد، آزادی عقیده، تغییر دین، مسیحیت.



پی‌نوشت‌ها:

۱. بصیری، حمیدرضا و مریم گوهری، نقش وراثت در سرنوشت انسان از منظر قرآن و حدیث، فصلنامه سراج منیر، زمستان ۱۳۹۲ ش، دوره ۴، شماره ۱۳، ص ۱۰۵-۱۲۸.
۲. سوره بقره، آیه ۱۷۰.
۳. سوره یونس، آیه ۳۶.
۴. سوره بقره، آیه ۲۵۶.
۵. درباره این آیه، تفاسیر مختلفی گفته شده است. برای مطالعه تفاسیر موجود درباره این آیه، رک: سروش، محمد، آزادی، عقل و ایمان، دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۴۷-۱۵۹.
۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۸ ش، ج ۲۰، ص ۳۲۶.
۷. سوره بقره، آیه ۲۵۶.
۸. سوره بقره، آیه ۲۸۶.
۹. برای مطالعه بیشتر، رک: سروش، محمد، آزادی، عقل و ایمان، دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی، ۱۳۸۱ ش، ص ۲۷۰-۲۷۳.
۱۰. همان، ص ۲۷۳-۲۷۴.
۱۱. در مجازت تعزیری، همیشه باید شرایط را در نظر گرفت: مرتد گاهی از روی شک و جهل و تحقیق مرتد می‌شود و گاهی از روی دشمنی؛ گاهی منشأ فکری دارد و گاهی منشأ سیاسی؛ گاهی فردی است و گاهی گروهی؛ گاهی در دوران تأسیس حکومت اسلامی است و گاهی در زمان تثبیت؛ گاهی مرتد در سرزمین اسلامی می‌زیسته و گاهی به جهت حضور در سرزمین کفار مرتد شده؛ گاهی حاکم برای اجرای حکم مبسوط‌الید است و گاهی نه؛ مرتد گاهی علیه حکومت می‌ایستد و گاهی عملاً در همان چارچوب



زندگی می‌کند؛ گاهی ارتدادش در جامعه بسیار مؤثر است و گاهی تأثیر چندانی ندارد؛ گاهی ارتداد به جهت فضای مسموم رسانه‌ای برای گروهی از مردم پیش می‌آید؛ گاهی ارتداد برای کسی پیش می‌آید که ورودش به اسلام به جهت اکراه و جبر آشکار و پنهان بوده؛ گاهی مجازات مرتد به شیوه سابق، مفسد دیگری به دنبال دارد و گاهی نه. همه این‌ها به جهت تناسب جرم و کیفر، باید در مصلحت سنجی حاکم و اجرای تعزیر و میزان و مقدار مجازات لحاظ شود. (همان، ص ۳۰۲-۳۰۵)

۱۲. برای مطالعه بیشتر، رک: خواص، امیر، پولس و الوهیت عیسی مسیح، مجله معرفت ادیان، بهار ۱۳۸۹ ش، شماره ۲؛ آریا، جواد و مجید ملایوسفی، نقدی بر قرائت پولس از مسیحیت، جستارهای فلسفه دین، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش، شماره ۲؛ اسدی، علی، خدای سه‌گانه: سیر پیدایش و تحول عقیده تثلیث و نگرش انتقادی قرآن کریم به آن، مجله معرفت ادیان، پاییز ۱۳۸۹ ش، شماره ۴.

۱۳. سوره نساء، آیه ۱۷۱.



ادله مجازات مرتد در قرآن و روایات

پرسش:

ناسازگاری حکم سنگین مرتد با سیاق آیات و عدم ابلاغ حکم نبوی در قرآن (بجز حبط اعمال): در قرآن تنها مجازات مرتد، «حبط اعمال» بوده است؛ پس به چه دلیلی برای مرتد مجازات های سنگین در نظر می گیرید؟! وقتی حکمی در قرآن نیامده، چرا از پیش خود اینقدر خشن با مرتدان برخورد می کنید؟

پاسخ:

مقدمه

مرتد به معنای برگشت از دین اسلام و انکار آن یا انکار برخی از آموزه های مسلم و ضروری آن است. فقیهان، مرتد را به سبب سابقه مسلمانی وی، بر دو دسته فطری و ملی تقسیم کرده و احکام و مجازات هر یک را مستقلاً مورد بررسی قرار داده اند. مرتد فطری مرد، برخلاف مرتد فطری زن و مرتد ملی زن و مرد، محکوم به مرگ است و بازگشت او به اسلام نیز تاثیری در این مجازات ندارد. (۱)

یکی از اشکالاتی که به مجازات مرتد وارد شده، ناسازگاری آن با سیاق آیات و عدم ابلاغ آن در آیات قرآن است؛ یعنی نه تنها در قرآن بیان نشده



است بلکه برخلاف سیاق آیات است. در ادامه در قالب چند نکته به بررسی این اشکال می پردازیم:

نکته اول:

قرآن کتابی است که به بیان کلیات می پردازد نه جزئیات. (۲) تفسیر و تفصیل جزئیات به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان واگذار شده است. پیامبر از طریق وحی (۳)، و اهل بیت علیهم السلام نیز افزون بر تحدیث و ارتباط با ملائکه و دریافت معارف الهی از این طریق، میراث دار سنت نبوی هستند و بسیاری از روایات به جا مانده از پیامبر را ابلاغ می کنند. (۴)

برای تقریب به ذهن، قرآن مشابه قانون اساسی است که عمدتاً به بیان کلیات و خطوط اصلی می پردازد و از ورود به جزئیات خودداری می کند و بیان جزئیات را به نهادهای قانونی دیگر واگذار می کند. به همین جهت است که بسیاری از جزئیات نماز و حج و غیره، در قرآن بیان نشده است و توسط پیامبر و اهل بیت ایشان، تبیین شده اند و ما نیز با رجوع سنت نبوی و بیانات اهل بیت علیهم السلام، آن احکام را استنباط می کنیم.



نکته دوم:

مجازات مرتد و سایر احکام آن، از جمله اموری است که تفصیل آن در قرآن نیامده است و توسط پیامبر و اهل بیت ایشان، تبیین شده است. با این حال، در آیاتی از قرآن، به مجازات دنیوی و اخروی مرتد اشاره شده است. یکی از آیاتی که به حبط اعمال و عذاب اخروی مرتد اشاره کرده است، آیه ۲۱۷ سوره مبارکه بقره است: «مشرکان، پیوسته با شما می جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیین تان برگردانند؛ ولی کسی که از آیینش برگردد، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک (گذشته) او، در دنیا و آخرت، بر باد می رود؛ و آنان اهل دوزخند؛ و همیشه در آن خواهند بود.» این آیه، به مجازات دنیوی مرتد اشاره نکرده و صرفاً از مجازات اخروی آن خبر داده است. به باور برخی از محققان، مجازات دنیوی مرتد، در آیه ۷۴ سوره مبارکه توبه بیان شده است: «... قطعاً سخنان کفرآمیز گفته اند؛ و پس از اسلام آوردنشان، کافر شده اند ... (با این حال)، اگر توبه کنند، برای آنها بهتر است؛ و اگر روی گردانند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت، به مجازات دردناکی کیفر خواهد داد ...» این آیه اگرچه به مجازات دنیوی مرتد اشاره می کند، اما نوع آن را مشخص نمی کند. (۵)



اما مجازات مرتد در روایات بازتاب زیادی داشته که در این مجال نمی شود به همه آنها پرداخت (۶) و در ادامه، به یک نمونه که درباره مرتد فطری مرد است، بسنده می شود:

در موثقه عمار از امام باقر علیه السلام آمده است: « هر مسلمانی در جمع مسلمانان از اسلام خارج شود و پیامبری پیامبر خدا صلی الله علیه و اله را انکار و آن بزرگوار را تکذیب کند، به راستی که خون او برای هرکس که شنوای ادعای او بوده حلال است. در همان روزی که مرتد شده است، همسرش از او جدا و اموالش در بین وارثانش تقسیم می شود. همسرش عدّه وفات نگه می دارد. اگر مرتد را نزد حاکم بیاورند باید او را بکشد و توبه اش ندهد. » (۷)

نکته سوم:

اما این فراز از پرسش « ناسازگاری حکم سنگین مرتد با سیاق آیات ... »، خالی از ابهام نیست. معلوم نیست کدام آیه یا آیات، مورد نظر است تا متناسب با آنها به توضیح مطلب بپردازیم.

اگر منظور از سیاق آیات، آیاتی است که درباره مجازات مرتد وارد شده است، سابقا گفته شد که این آیات درباره نوع مجازات دنیوی مرتد سخن



نمی گوید و به ذکر کلیاتی درباره مجازات دنیوی و اخروی مرتد بسنده کرده است. سکوت این آیات، به معنای نفی مجازات سنگین مرتد نیست. اگر منظور از سیاق آیات، آیاتی مثل «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (۸) است، گفتنی است، مجازات دنیوی نیز به نظر مشهور، برای مرتدی است که ارتدادش را اظهار کرده است. چون اظهار ارتداد دارای آثار اجتماعی منفی (تضعیف باورهای دینی مردم که نتیجه اش، عدم پابندی در اجرای قوانین دینی و بر هم خوردن نظم جامعه اسلامی است) است، در نتیجه، واکنش اسلام نیز این است که برای چنین شخصی مجازات در نظر بگیرد. بنابراین، تا زمانی که شخص تغییر دین را اعلام نکند، هیچ مجازاتی در دنیا، متوجه او نیست. بنابراین، آزادی عقیده برای افراد محترم شمرده شده است اما این آزادی عقیده نباید به صورت علنی اعلام گردد و ایمان مردم و بالتبع، نظم جامعه ایمانی را تضعیف نماید. بگذریم از اینکه، به باور برخی از محققان، مجازات مرتد، شامل هر کسی که ارتدادش را اعلام کرده، نمی شود بلکه شرایط دیگری نیز لازم است تا شخص مستحق مجازات سنگین شود. از این رو، برخی از محققان، میان مرتد عنادی و مرتد اعتقادی فرق گذاشته اند و بر این باورند که مرتد معاند که غرض از ارتدادش، عناد و لجاجت با اسلام یا پیامبر است، مستحق قتل است؛ اما مرتد اعتقادی که هدفش عناد نیست و



ارتدادش محصول شک، شبهه، جهل و یا تحقیق ناقص و به اصطلاح علم ظاهری و ناصواب است، مستحق قتل نیست. حتی گروهی از محققان، فراتر از این، معتقدند که هر مرتد عنادی، مستحق مرگ نیست و تنها در صورتی مستحق مرگ است که دست به انواع توطئه علیه اسلام بزند و به انتشار افکار انحرافی خود به منظور تضعیف باورهای دینی مسلمانان اقدام کند یا اقدام مسلحانه انجام دهد؛ (۹) چنانکه سلمان رشدی با انتشار رمان «آیات شیطانی» همین هدف را داشت و در این کتاب، به طرح انواع توهین، افترا، دروغ و خیال پردازی های زشت علیه شخصیت های اسلامی پرداخت. (۱۰)

نتیجه:

مرتد به معنای خروج از دین اسلام، دارای اقسام و احکام مختلفی است که محققان آن را از قرآن و روایات استنباط کرده اند. اگرچه قرآن درباره نوع مجازات سنگین مرتد سخن نگفته است، اما این امر، لطمه ای به اعتبار حکم مجازات مرتد وارد نمی سازد چرا که اساسا قرآن در صدد ارائه تمامی احکام و جزئیات نیست و تفصیل شریعت را به پیامبر و اهل بیت ایشان واگذار کرده است. از این رو، مشخص می شود چرا مجازات مرتد که ریشه در روایات معتبر اسلامی دارد، از احکام معتبر اسلامی است. البته مجازات مرتد



دارای شرایط و ضوابطی است و با سیاق آیاتی همچون «لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (۱۱) منافاتی ندارد.

کلمات کلیدی: مجازات مرتد، ارتداد در قرآن، ارتداد در روایات، مرتد فطری، مرتد ملی.

پی نوشت ها:

۱. امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا، ج ۴، ص ۱۱-۱۲ و ۲۴۳.

۲. سوره نحل، آیه ۴۴: «و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی.»

۳. سوره نجم، آیات ۳-۴: «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید؛ آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.»

۴. اهل بیت از منابع مختلفی در تفسیر و تفصیل احکام دینی برخوردارند. برای آگاهی از این منابع و ادله آنها، به این اثر مراجعه شود: هاشمی، سیدعلی، ماهیت علم امام، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۶ش، ص ۱۶۰-۳۰۹.

۵. برای مطالعه بیشتر، رک: قدردان قراملکی، محمدحسن، پاسخ های متفاوت به حکم مرتد، مجله علوم سیاسی، ۱۳۸۱ش، شماره ۱۸.

۶. برای آگاهی از این روایات،

رک: <https://hadith.inoor.ir/fa/hadith/۱۱۵۰۱۸/related>



۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۵۸.
۸. سوره بقره، آیه ۲۵۶.
۹. برای مطالعه بیشتر، رک: قدردان قراملکی، محمدحسن، پاسخ های متفاوت به حکم مرتد، مجله علوم سیاسی، ۱۳۸۱ش، شماره ۱۸؛ سروش، محمد، آزادی، عقل و ایمان، دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی، ۱۳۸۱ش.
۱۰. به همین جهت، امام خمینی ره، سلمان رشدی را مرتد و مستحق مرگ دانستند. (امام خمینی، سید روح الله، صحیفه امام: فتوای قتل سلمان رشدی، نویسنده کتاب کفرآمیز آیات شیطانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۲۶۳ و ۲۶۸)
۱۱. سوره بقره، آیه ۲۵۶.



تنافی آزادی در عقیده و اعدام مرتد

پرسش:

فقیهان سیاست زده، حتی تغییر دین که امری شخصی و درونی است را فتنه سیاسی می‌بینند تا آن را بهانه‌ای برای سرکوب مخالف قرار دهند! چطور می‌توانید کسی را به خاطر عقیده شخصی خودش اعدام کنید؟! او چه خطری برای اسلام و جامعه اسلامی دارد؟!!

پاسخ:

مقدمه

اعتقاد و ایمان، امری شخصی و درونی هستند و تا شخص خودش مقدمات اعتقاد را فراهم نکند و تصمیم به ایمان نگیرد، نمی‌توان با زور، در او اعتقاد و ایمان را ایجاد کرد. (۱) از سوی دیگر، کسی که اعتقاد و ایمانش را تغییر دهد و از اسلام خارج شود، یا مرتد فطری است یا مرتد ملی که یا مستحق اعدام است یا حبس ابد. (۲) از این رو، این سؤال پدید آمده که چرا کسی را به خاطر اعتقاد و ایمان شخصی و درونی، خطرناک و فتنه سیاسی تلقی کرده و او را به اعدام یا حبس محکوم می‌کنید و با آن برخورد خشن انجام می‌دهید. در ادامه در قالب چند نکته به بررسی این سؤال می‌پردازیم:



نکته اول:

این که اعتقاد امری شخصی و درونی است و با زور تحمیل نمی‌شود، کاملاً صحیح است؛ اما مسئله اینجاست که اعتقادات و تصمیم‌های درونی و شخصی آدمی، از جهت پیامدهای بیرونی و سیاسی و اجتماعی، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- اعتقادات و تصمیم‌هایی که یا پیامد بیرونی ندارند یا اگر دارند، پیامد بیرونی مهمی ندارند؛ مثل اعتقاد به اینکه، «هلو خوشمزه‌ترین میوه است». این اعتقاد تأثیر بسزایی در محیط پیرامونی ندارد و دیگران از اعتقاد و تصمیم من به خرید این میوه در هر هفته، متضرر نمی‌شود.

- اعتقادات و تصمیم‌هایی که پیامد بیرونی اثرگذاری بر محیط پیرامونی دارند؛ مثل اعتقاد یک رهبر سیاسی به اینکه «غیر ژرمن‌ها از نژاد پستی هستند» یا اعتقاد یک نماینده مجلس به اینکه «ثروتمندان همگی دزد هستند» یا اعتقاد یک ابر پولدار به اینکه «فقیران موجودات بی‌فایده و مُضِرّ برای جامعه هستند» یا اعتقاد یک پدر به اینکه «بهترین راه تربیتی، تنبیه بدنی کودک است» یا اعتقاد یک رهبر دینی به اینکه «هر مخالفی را باید کشت». این اعتقادات اگرچه شخصی هستند اما گاهی پیامدشان یک ملت



را به بیراهه می‌کشاند و به ترتیب، به جنگ‌های ویرانگر، تصویب قوانین ظالمانه، حذف مدرسانی به فقیران، تربیت فرزندان با روان آسیب‌دیده و کشتارهای وحشیانه، می‌انجامد و در نتیجه، نظم اجتماعی و خانوادگی را بر هم زده و نظام سیاسی و اجتماعی را به هرج و مرج می‌کشاند. به همین جهت، نهادهای مدنی و سیاسی نسبت به این عقیده شخصی، حساس بوده و به شیوه‌های مختلف با آن برخورد کرده و مانع از رواج آن می‌شوند. بنابراین، اگرچه اعتقاد، امری شخصی و ایمان و دلدادگی به آن، تصمیم درونی آدمی است؛ اما گاهی یک اعتقاد و تصمیم‌گیری شخصی، پیامدهای ویرانگری برای محیط پیرامونی دارد و اعلان و ترویج آن، به گمراهی دیگران و به هم خوردن نظم اجتماعی و هرج و مرج در نظام سیاسی منجر می‌شود.

نکته دوم:

تغییر عقیده و خروج از اسلام، شخصی و درونی است و تا زمانی که درونی و شخصی بماند و کسی را مطلع نسازد، مجازات دنیوی به دنبال ندارد؛ چرا که ارتداد هنوز آشکار نشده و پیامدی برای جامعه نداشته تا اسلام نسبت به آن واکنش نشان دهد و مرتد را مجازات نماید؛ اما همین‌که خروج از اسلام، آشکار شد، سبب تضعیف ایمان دیگران می‌شود و پیامد اجتماعی و



سیاسی می‌یابد و به موازات آن، حکم مجازات مرتد مصداق می‌یابد. توضیح بیشتر اینکه، هر نظام سیاسی مبتنی بر اعتقاداتی است که پایه و شالوده آن نظام سیاسی است و با تضعیف یا ویرانی آن پایه، آن نظام سیاسی نیز فرومی‌ریزد و آسیب می‌بیند؛ این مطلب، محدود به اسلام و نظام سیاسی اسلام نیست و در مورد هر مکتب و نظامی صادق است. در نظام سیاسی اسلام، چون اسلام مبنای نظام سیاسی است و رابطه وثیق میان مردم و نظام سیاسی نیز از طریق ایمان و اعتقادات شخصی آن‌ها به وجود آمده است، هرگونه تردید و تشکیک و تضعیف این مهم، آسیب جدی به نظام سیاسی و رابطه مردم با آن وارد می‌سازد و یکدلی مردم در برابر دشمن مشترک، احترام به قانون، حساسیت نسبت به ارزش‌های دینی در اجتماع و غیره را تضعیف می‌نماید. به همین جهت، حکومت اسلامی موظف است در برابر عوامل تضعیف ایمان مردم بایستد و برای کسی که خروجش از دین را اعلام می‌کند و شک و شبهه به ذهن و روان مسلمانان وارد می‌سازد و از این طریق جامعه را به فساد می‌کشانند، مجازات در نظر بگیرد. (۳)

در همین راستا، پرفسور مارسل بوازار، استاد حقوق دانشگاه ژنو می‌گوید: «علت سخت‌گیری اسلام درباره مرتد، شاید بدان جهت باشد که در نظام حکومتی و سیستم اداری جوامع اسلامی، ایمان به خدا جنبه صرفاً اعتقادی



و حضور درون قلبی شخصی نداشته، بلکه جزو بندهای پیوستگی امت و پایه‌های حکومت است به طوری که با فقدان آن، قوام و دوام جامعه متلاشی می‌شود و مانند قتل نفس یا فتنه و فساد است که نمی‌تواند قابل تحمل باشد». (۴)

نکته سوم

«مجازات اخروی و دنیوی مرتد» از جمله مسائلی است که اکثر قریب به اتفاق مسلمانان شیعه و سنی، با آن موافق‌اند؛ (۵) اما با این حال، درباره شروط و قیود آن، اختلاف نظر دارند. اگرچه مشهور شده که هرکسی از اسلام خارج شود، مستحق مجازات قتل یا حبس است، اما باید دانست که در این باب، نظرات دیگری نیز مطرح شده که توجه به آن‌ها لازم است. در ادامه، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- کسی مرتد است و مجازات می‌شود که ابتدا اسلام را از روی تحقیق و یقین منطقی (نه یقین روان‌شناختی و از روی تقلید) پذیرفته و حقانیت آن را منطقیاً تصدیق کرده، اما بعداً آن را انکار نماید و از آن خارج شود؛ اما کسانی که تحقیق نکرده و بدون یقین منطقی، مسلمان هستند، خروجشان از اسلام - خواه به حقانیت اسلام شک داشته باشند، خواه حقانیت اسلام را انکار کنند - اگرچه کفر است اما مرتد نیستند و مجازات نمی‌گردند. (۶)



• کسی مرتد است و مجازات می‌شود که اسلام را انکار و تکذیب کند؛ اما اگر صرفاً شک داشته باشد، اگرچه کافر است و از اسلام خارج شده، اما مرتد و مستحق مجازات ارتداد نیست. (۷)

• مرتد مُعاندِ که غرض از ارتدادش، عناد و لجاجت با اسلام است. چنین مرتدی مستحق قتل است؛ اما مرتد اعتقادی که هدفش عناد نیست بلکه ارتدادش محصول شک، شبهه، جهل و تحقیق ناقص است، مستحق قتل نیست. (۸)

• فقط مرتدی مستحق مجازات قتل است که افزون بر اینکه ارتدادش از روی عناد و دشمنی است، دست به اقدام مسلحانه یا فرهنگی مانند نشر و ترویج افکار باطل خود و تضعیف اسلام بزند. (۹)

• اساساً مجازات مرتد، از حدود الهی نیست بلکه از تعزیراتی است که وابسته به نظر حاکم اسلامی است و حاکم اسلامی، بر اساس مصالح جامعه اسلامی، درباره میزان مجازات و اجرای آن تصمیم‌گیری می‌کند؛ بنابراین، نمی‌توان به صورت کلی، درباره لزوم مجازات مرتد تحت هر شرایطی حکم داد. (۱۰)

توجه به این نظرات نشان می‌دهد که بسیاری از فقیهان، هرگونه خروج از اسلام را مرتد و مستحق مجازات اعدام یا حبس نمی‌دانند، بلکه به باور



برخی از فقیهان، کسی که ارتدادش از روی دشمنی باشد و در این راستا، اقدام عملی انجام دهد و فتنه‌انگیزی کند، مستحق مجازات سنگین است. روشن است که این مجازات سنگین، نقش پیشگیرانه زیادی در وقوع چنین مصادیقی دارد؛ چنانکه برخورد کوبنده امام خمینی با افرادی مثل سلمان رشدی و اعلام مجازات ارتداد او، نقش بسزایی در خاموش کردن آتش فتنه و تکرار حوادث مشابه داشت.

نتیجه

اعتقاد و ایمان اگرچه درونی هستند و تابع شرایط و تصمیم شخصی است، اما با توجه به اینکه پیامدهای قابل توجهی در عرصه اجتماع و سیاست دارد، اظهار آن، بدون پیامد قانونی و سیاسی نیست. از این رو، کسانی که از اسلام خارج شده و ارتداد خویش را علنی می‌کنند، ایمان جامعه دینی و بالتبع، اتحاد اجتماعی و اعتبار نظام سیاسی را تضعیف می‌کنند و در نتیجه، مستحق مجازات هستند. البته برخی از محققان، هر خارج شده از اسلام را مرتد و مستحق مجازات نمی‌دانند و قیود دیگری را نیز در نظر می‌گیرند. به روشنی، تشریح این مجازات، بیشتر جنبه پیشگیرانه از وقوع فتنه‌هایی مثل فتنه سلمان رشدی دارد و ناظر به تردیدها و پرسشگری‌های علمی یک دانشجو یا معلم و استاد نیست.



کلمات کلیدی:

شخصی بودن ایمان و اعتقاد، ارتداد، مجازات مرتد، مرتد مُعاند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. آیه ۲۵۶ سوره مبارکه بقره «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» به همین نکته اشاره دارد. (مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۸ ش، ج ۲۰، ص ۳۲۶)
۲. مگر اینکه توبه کند و تحت شرایطی توبه او پذیرفته شود و از اعدام یا حبس ابد رهایی یابد. (امام خمینی، روح‌الله، تحریرالوسیله، ترجمه علی اسلامی، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۴، ص ۱۱-۱۲ و ص ۲۴۳).
۳. عوده، عبدالقادر، التشریح الجنائی الاسلامی، بیروت، دارالکتب العربی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۳۶ و ۶۶۱.
۴. فاضل میبدی، محمدتقی، دین‌داری و آزادی، تهران، آفرینه، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۳۵.
۵. به جز گروه اندکی از روشنفکران دینی شیعه و سنی که مجازات مرتد را انکار کرده و ادله آن را ضعیف می‌شمارند. (سروش، محمد، آزادی، عقل و ایمان، دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی، ۱۳۸۱ ش، ص ۲۶۵-۲۶۸)
۶. جوادی آملی، عبدالله، ارتداد و آزادی، مجله پاسدار اسلام، دی ۱۳۸۲ ش، شماره ۲۶۵.
۷. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل (استفتائات)، ج ۲، ص ۵۰۴؛ به نقل از سروش، محمد، آزادی، عقل و ایمان، دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی، ۱۳۸۱ ش، ص ۲۸۲-۲۸۳.



۸. قدر دادن قرا ملکی، محمدحسن، پاسخ‌های متفاوت به حکم مرتد، مجله علوم سیاسی، ۱۳۸۱ ش، شماره ۱۸.
۹. همان.
۱۰. سروش، محمد، آزادی، عقل و ایمان، دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی، ۱۳۸۱ ش، ص ۳۰۴-۳۰۵.



اسلام و شک در دین

پرسش:

عالمان مسلمان می‌گویند هرکسی آزاد است درباره دین شک کند و سؤال بپرسد و به حقیقت برسد؛ به‌جز مسلمانان! آن‌ها محکوم به اسلام‌اند و نباید شک کنند چون اگر شک کنند، از اسلام خارج شده و مرتد و اعدام می‌شوند!

پاسخ:

مقدمه

دین اسلام، باایمان تقلیدی و بدون تفکر مخالف است و کسانی را که با تقلید کورکورانه از دیگران زندگی کرده و دین خود را انتخاب می‌کنند، سرزنش می‌کند (۱) و همگان را به پیروی از علم و پرهیز از گمانه پردازی (۲) و پرسشگری از اهل علم، (۳) دعوت می‌کند؛ اما می‌دانیم از سویی، پرسشگری و علم‌محوری و تفکر کردن، گاهی با نوعی شک و تردید همراه است و از سوی دیگر، اگر کسی که از اسلام خارج شود و ایمان خود را از دست بدهد، مرتد و محکوم به مجازات سنگین است. آیا این مجازات، نشانه صداقت نداشتن اسلام درباره لزوم ارزشمندی شک و پرسشگری نیست؟ در ادامه، در قالب چند نکته به بررسی این پرسش می‌پردازیم:



نکته اول:

ایمان در اسلام مبتنی بر معرفت و شناخت است (۴) و تا زمانی که چیزی را عقلانی نشناسیم، به آن ایمان نمی‌آوریم. (۵) از این منظر، ایمان با شک و تردید و دودلی، سازگار نیست چراکه باید ابتدا تصدیق کرد که چیزی حق است و سپس به آن تعهد داشت و قلب را به آن گره زد و سراسر وجود و زندگی خویش را به آن معطوف ساخت. بر همین اساس، در آیاتی از قرآن، مؤمنان را کسانی می‌داند که از شک و دودلی به دور هستند: «مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده...» (۶) «... مؤمنان به آخرت را از آن‌ها که در شک هستند بازشناسیم». (۷)

بنابراین، در دین اسلام، ایمان با شک و دودلی و تردید ناسازگار است و حتماً باید ابتدا معرفت و شناخت داشت و سپس ایمان آورد.

نکته دوم:

با این حال، گاهی پیش می‌آید که شخصی مسلمان است و معرفت و ایمان داشته، اما حالا به دلایلی، دچار شک و دودلی و تردید شده است. این شک و دودلی گاهی به شکل گذرا و ضعیف است؛ یعنی به‌گونه‌ای است که اعتقاد



و ایمان شخص را متزلزل نمی‌سازد؛ اما ذهن و روان او را آزار می‌دهد. شخص مسلمان در برابر این‌گونه تردیدها مقاومت می‌کند و با پرسش‌های مؤمنانه خویش، در پی از بین بردن این شک و تردیدها است. این تردیدها و پرسش‌ها، نه تنها خطرناک نیستند؛ بلکه نشانه قوت ایمان آن شخص هستند؛ چنانکه پیامبر صلی‌الله علیه و آله در مواجهه با کسی که در پی آشنایی با شبهات، به تردیدها و پرسش‌هایی گرفتار شد، فرمودند: «به خدا، این ایمان محض است». امام صادق علیه‌السلام در توضیح این حدیث به این نکته لطیف اشاره داشتند که وی چون دچار شک و شبهه شده و از آن نگران شده و آن را با اهلش در میان گذاشته تا پاسخش را بداند، نشان می‌دهد که قلبش پر از ایمان است و به همین جهت، همین‌که قلبش به خطورات مبتلا شده، به دنبال رفع آن‌ها و حفظ ایمان خود است؛ در حالی که شخص کافر از خواندن و دیدن شبهات خوشحال می‌شود و به دلهره و ترس دچار نمی‌شود، بلکه آن را دستاویزی برای توجیه کفر خود قرار می‌دهد. (۸)

در همین راستا، برخی از عالمان بزرگ شیعه به این نکته اشاره کرده‌اند که «اینکه شخص، تحصیل معرفت به اصول دین نموده و معتقد به عقاید، کما هو حقه، بوده باشد، لکن در قلب او بعضی خیالات و وسواس هست، لکن



او را از آن‌ها خوش نمی‌آید، حکم این شخص این است که اصلاً و ابداً عیبی و نقصی در ایمان او نیست و متأذی بودن [یعنی: آزار دیدن]، دلیل قوت ایمان او است و هر چه خیالات او بدتر و کراهیت از آن‌ها بیشتر، ایمان او قوی‌تر است». (۹)

بنابراین، این تلقی که اسلام مانع از تردیدها و پرسشگری‌های مسلمانان در زمینه اعتقادات است، سخن قابل قبولی نیست. از نظر اسلام، چنین شخصی در اوج ایمان است و اساساً ایمانش را از دست نداده تا مستحق مجازات باشد.

نکته سوم:

اما گاهی شخص به سبب تردیدها و شبهاتی که در ذهن دارد، اعتقادش را از دست می‌دهد و اصطلاحاً به «شک پایدار» دچار می‌شود. آیا چنین کسی از اسلام خارج شده و مستحق مجازات است، یا اینکه حقانیت اسلام را انکار نکرده اما دودل است و ایمانش را از دست داده است؟ با توجه به اینکه این شخص، ایمان و اعتقادش را از دست داده و خودش را نسبت به حقانیت اسلام مردد دانسته، نمی‌توان او را مسلمان به حساب آورد. از این‌رو، وی از اسلام خارج شده و ذیل عنوان «کافر» قرار می‌گیرد و به باور برخی از فقیهان، اگر کفر خویش را اظهار کند، مرتد و مستحق



مجازات است که بسته به اینکه مرتد فطری باشد یا ملی، یا زن باشد یا مرد، مجازات می‌شود و مجازاتش گاهی حبس است و گاهی اعدام. (۱۰) فلسفه این مجازات نیز چنین است که وی با اظهار تردید و بی‌تفاوتی به اسلام، بذر شک را در دل دیگران قرار می‌دهد و با طرح پرسش‌های خود، ذهن و روان دیگران را نیز آشفته می‌کند و در نتیجه، ایمان مردم را تضعیف یا زایل می‌کند و چون نظام سیاسی اسلام مبتنی بر قوانین اسلامی است که مقبولیت و اجرای این قوانین مبتنی بر ایمان مردم است، پس می‌بایست نسبت به آشفته کردن ایمان مردم، حساس بود و مانع از تضعیف و زایل کردن ایمان مردم شد و با طرح مجازات‌های سنگین، از هرج و مرج اعتقادی و اجتماعی، پیشگیری کرد. (۱۱)

اما این دیدگاه درباره ارتداد و مجازات مسلمانی که به سبب شک از اسلام خارج شده، از سوی برخی از فقیهان نقد شده است. برای نمونه، آیت‌الله جوادی آملی درباره مسلمانی که به سبب شنیدن شبهات، شک کرده است، می‌فرماید بسیاری از مسلمانان اسلام موروثی دارند نه تحقیقی؛ اسلام آن‌ها با یقین روانی همراه است نه یقین منطقی؛ به همین جهت، با شنیدن چند شبهه، یقین آن‌ها متزلزل می‌شود و شک می‌کنند؛ چنین افرادی را نمی‌توان مرتد دانست چرا که در ارتداد، لازم است ابتدا شخص، اسلام را از روی



تحقیق و یقین منطقی پذیرفته باشد و سپس انکار کند؛ اما اینکه با چند شبهه، یقین او متزلزل می‌شود، می‌فهماند که او از ابتدا اسلامش تحقیقی و با یقین منطقی همراه نبوده است: «ارتداد فطری یعنی انکار پس از اقرار محققانه دین بعد از بلوغ، در صورتی که والدین او یا یکی از آن‌ها مسلمان باشند؛ و ارتداد ملی یعنی انکار پس از اقرار محققانه دین بعد از بلوغ در صورتی که هیچ‌یک از والدین او مسلمان نباشد ... در بحث ارتداد، یقین منطقی شرط است نه یقین روان‌شناختی ... اگر کسی اسلام شناسنامه‌ای و روان‌شناختی داشته باشد، نه اسلام معرفت‌شناسانه و منطقی، چنین فردی هرچند در خانواده مسلمان تربیت شده و مسلمان زاده است، ولی چون اسلامش را از روی تحقیق به دست نیاورده ... اسلام موروثی دارد، یقین او نسبت به اسلام یقین روانی است نه منطقی ... اثبات حکم ارتداد درباره کسی که با شنیدن شبهاتی نسبت به اصل دین یا برخی از احکام ضروری دین مثل نماز، روزه و ... شک می‌کند، آسان نیست. از این رو حکم مرتد فطری در مورد چنین کسی که شاک متفحص است، جاری نمی‌شود ... به هر تقدیر، در مسئله ارتداد، حکم کسی که محققانه از روی یقین منطقی نه روانی، مسائل اسلام برایش حل شد و با علم و عمد آن را انکار کند و از دین برگردد با کسی



که اسلامش موروثی و یقینش روان‌شناختی بوده و اکنون واقعاً شک متفحص است، یا به شبهه مبتلا شده، متفاوت است.» (۱۲)

نتیجه:

بنابراین، در دین اسلام، ایمان مبتنی بر معرفت است و با شک و تردید ثابت و ماندگار، سازگار نیست. اگر کسی به شک پایدار دچار شد، او اعتقاد و ایمانش را از دست داده است و کافر به حساب می‌آید؛ اما اینکه مرتد است یا نه فقیهان اختلاف دارند و به نظر آیت‌الله جوادی آملی، وی مرتد و محکوم به مجازات نیست چرا که در ارتداد، انکار پس از اقرار محققانه و منطقی به اسلام، شرط شده است؛ یعنی شخص با اینکه یقین منطقی و استدلالی به حقانیت اسلام دارد و به آن اقرار هم کرده، اینک آن را از روی دشمنی انکار می‌کند؛ اما فردی که با چند شبهه، ایمان و اعتقادش را از دست می‌دهد، روشن است که از اول، ورودش به اسلام، تحقیقی و با یقین منطقی نبوده است؛ پس حالا که شک کرده و از اسلام خارج شده، مشمول عنوان مرتد و مجازاتش نیست.

امام درباره کسی که به شک گذرا مبتلا شده نیز گفته شد که این شک، هیچ منافاتی با ایمان ندارد، بلکه نشانه قوت ایمان است چرا که شبهات، ذهن



این مسلمان محقق را ناآرام کرده و او را به تردید و پرسش از اهلش سوق داده است تا از این طریق، ایمانش را حفظ و تثبیت کند.

کلیدواژه:

شک، معرفت، ایمان، یقین منطقی، ارتداد، مجازات مرتد.

پی نوشت‌ها:

۱. سوره بقره، آیه ۱۷۰: «و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند: نه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم. آیا اگر پدران آن‌ها، چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آن‌ها پیروی خواهند کرد)؟»
۲. سوره یونس، آیه ۳۶: «و بیشتر آن‌ها، جز از گمان (و پنداره‌ای بی‌اساس)، پیروی نمی‌کنند؛ (در حالی که) گمان، هرگز انسان را از حقّ بی‌نیاز نمی‌سازد (و به حقّ نمی‌رساند)».
۳. سوره نحل، آیه ۴۳: «اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید».
۴. به همین جهت، خداوند می‌فرماید، اکراهی در دین خدا نیست و خداوند راه را از بیراهه نشان داده تا انسان‌ها این دو را بشناسند و هرکسی خودش مسیر خود را برگزیند؛ گروهی راه کفر را برمی‌گزینند و گروهی راه ایمان را. (سوره بقره، آیه ۲۵۶)
۵. به همین جهت، در بسیاری از آیات قرآن به تعقل و تدبر و تفکر اشاره شده است. برای نمونه، سوره آل‌عمران، آیات ۱۹۰-۱۹۱: «مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان است. همان‌ها که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آن‌گاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند؛ و در اسرار آفرینش



آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند؛ (و می‌گویند): بار الها! این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه‌دار».

۶. سوره حجرات، آیه ۱۵.

۷. سوره سبأ، آیه ۲۱.

۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب السلامیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۴۲۵.

۹. شوشتری، شیخ جعفر و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی، منهج الرشاد، ص ۹؛ به نقل از سروش، محمد، آزادی، عقل و ایمان، دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی، ۱۳۸۱ ش، ص ۷۴.

۱۰. برای مطالعه بیشتر درباره ادله آن‌ها، رک: محبی فردویی، هادی و احمد حاجی ده آبادی، تأملی در تحقق ارتداد با حصول شک، مجله پژوهش‌های فقهی تا اجتهاد، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ ش، شماره ۱۰، ص ۳۳.

۱۱. سروش، محمد، آزادی، عقل و ایمان، دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی، ۱۳۸۱ ش، ص ۲۶۹-۲۷۰.

۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ارتداد و آزادی، مجله پاسدار اسلام، دی ۱۳۸۲ ش، شماره ۲۶۵.



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم

اشاره کردید که چند میلیون سؤال از شما شده است، غالباً خیلی از سؤال کننده‌ها جوان‌ها و دانشجوها هستند. این کار خوبی است، البته این سنتی بوده که از قبل در حوزه وجود داشته است. ممکن است یک نفر سؤال کند اما این سؤال در ذهن هزار نفر باشد توصیه من در مورد این سؤال‌ها این است که اینها را تدوین کنید، چاپ کنید و به شکل‌های خوب در اختیار جوان‌ها و دانشجوها بگذارید و بگویید این سؤال‌ها شده، جواب‌هایش اینها است؛ به نظر یکی از کارهای واجب این است.

